

الگوهای رفتاری اجتماعی شیعه از نگاه صادقین(ع)

کیهان باجولوند، ابراهیم ابراهیمی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم قرآن وحديث، دانشگاه اراک، ایران.

۲. دانشیارگروه الهیات، دانشکده ادبیات، دانشگاه اراک، ایران.

چکیده

این جستار به «الگوهای رفتاری اجتماعی شیعه از نگاه صادقین(ع)» می پردازد، این مسئله مسلم است که دین اسلام به بعد اجتماعی زندگی انسان همچون دیگر ابعاد اهتمام ویژه ای داشته و مسلمانان را بلا تکلیف رها نکرده است. با توجه به این که انسان در مسیر زندگی خود نیاز به الگوی عملی دارد تا با اقتدای به او حرکت کند معصومین (ع) به لحاظ برخورداری از شخصیت معنوی، الگوهای شایسته ای برای بشریت در هر مکان و زمانی می باشند، بنابراین با توجه به اهمیت اجتماع در اسلام، به ارائه ی دستورالعمل های صادقین (ع) از قبیل: ارکان بنیادی جامعه، هنجارهای مطلوب جامعه اسلامی، آداب معاشرت و . . در این زمینه پرداخته ایم تا با الگو گرفتن از ایشان بتوانیم جامعه ای شیعی بسازیم.

واژه های کلیدی: شیعه، اجتماع، امام باقر، امام صادق.

**The Shiite's Behavioral and Social Examples from Imam Bagher
and Imam Sadegh's Perspective**

۱. Keyhane Bajelvand ۲. Ebrahim Ebrahimi

۱. M.A. Student in Hadith and Quran's Sciences, Faculty of Literature, Ark University, Iran.

Email: K.Bajelvand@gmail.com

۲. The Associate professor of the Theology Department, Faculty of Literature, Ark University, Iran.

Email: br.e.e.۹۷۸@gmail.com

Abstract

The present research aims to investigate "The Shiite's Behavioral and Social Examples from Imam Bagher and Imam Sadegh's (A.S.) Perspective". It is obvious that the Islam has paid a considerable attention to the social dimension of the human's life and has not left the Muslims undecided. Islam as the most comprehensive religion has enlightened transparently the human's social life which can be realized following our Imams' life. The mankind needs practical examples to live by following their teachings. The "Immaculate Ones" are considered as worthy examples for human being wherever and whenever due to their religious characters. Consequently, considering the importance of the society in Islam, the present study has explored the Imam Sadegh and Imam Bagher's (A.S.) perspectives in this regard to make a Shiite's society following their guidelines including the fundamental principles of society, the ideal accepted norms of an Islamic society, the rules of conduct, etc.

Key words: Shiite, Society, Imam Bagher, Imam Sadegh

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

انسان در مسیر زندگی خود نیاز به الگوی عملی دارد تا با اقتدای به او حرکت کند. الگوهای بشری غالباً محدود به زمان و مکان معینی هستند و با گذشت زمان الگو بودن خود را از دست می‌دهند. افزون بر این که الگو بودن آنها همه جانبه و فراگیر نیست و فقط به یک یا چند خصلت محدود می‌شود. معصومین (علیهم السلام) به لحاظ برخورداری از شخصیت معنوی، الگوهای شایسته‌ای برای بشریت در هر مکان و زمانی می‌باشند. کسی که خواهان روشنایی در دل تاریکی است ناچار به استفاده کردن از چراغ است. از این جهت انسان هدایت طلب باید از نور هدایت ائمه (علیهم السلام) استفاده کند، چنان که نمی‌توان از چراغ، پیش‌تر رفت بلکه باید چراغ را روشن کرد و سپس در پناه روشنایی آن، راه را از بیراهه تشخیص داد، انسان حقیقت طلب نیز باید در پناه هدایت ائمه (علیهم السلام) به راهش ادامه دهد. بنابراین بهترین وسیله برای کسانی که در صدد شناخت خداوند هستند شاگردی در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است، چون آنها بهتر از دیگران خدا را می‌شناسند. زیرا از جهت بینش، معصوم و از جهت منش، مصون هستند، از این رو شایسته‌ترین و برترین الگو هستند. پس هر کس در مسیر آنان قدم بردارد و پیروشان گردد نجات یافته و هر کس از آنان پیروی نکند هلاک خواهد شد، چرا که تنها راه نجات و رستگاری، پیروی از معصومین (علیهم السلام) می‌باشد.

امروزه با وجود تهاجمات فرهنگی دشمنان و ارائه الگوهای وارداتی و مغایر دینی، بایستی اقشار گوناگون به ویژه جوانان را با نمونه‌های راستین تشیع آشنا ساخت تا بتوان الگوهای تقوا و فضیلت انسانی را برای آنها ترسیم کرده و از سقوط آنها در دام الگوهای کاذب غرب پیشگیری نمود. دشمنان اسلام می‌کوشند با ارائه‌ی تصویری نادرست و غیر واقعی از اسلام برای خود مسلمانان، آنان را نسبت به دین خود بدبین کنند و از اسلام جدا سازند. از عدم آشنایی مسلمانان به دین خود سوء استفاده کرده و با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی و به روز که در اختیار دارند اسلام را همان گونه که خود می‌خواهند به مسلمانان معرفی می‌کنند. بنابراین اگر شناخت شیعیان از اهداف و برنامه‌های امامانشان

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

عمیق باشد معرفتشان نسبت به دین و تعالیم دینی دستخوش تغییر نخواهد شد.

در این پژوهش ما با بررسی الگوهای رفتاری اجتماعی شیعه از منظر صادقین (علیهم السلام) این امکان را برای پیروان ایشان فراهم نموده تا بتوانند رفتار خود را بر اساس تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) تنظیم نموده و در جهت رسیدن به جایگاه شیعه‌ی حقیقی گام بردارند. برخی از آنچه ما در این پژوهش بدان پرداخته‌ایم عبارتست از: کیفیت رفتار اجتماعی، ملاک‌های برتری جامعه اسلامی، اوصاف مطلوب جامعه اسلامی و . . .

مفهوم شناسی واژه ها:

الف: تعریف الگو: الگو در لغت به معانی اسوه، مدل، نمونه، مثال و سرمشق آمده است (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۲، ماده الگو)، منظور از الگو نمونه عینی و مشهود یک فکر و عمل در ابعاد گوناگون است که برای رسیدن به کمال از سوی دیگران پیروی می شود (مهدی زاده، حسین، مجله معرفت، ش ۶۷، ۱۳۸۹)، اسوه تعبیر عربی و قرآنی الگوست که مراد از آن، حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خودش کسب می کند (اصفهانی، راغب، ترجمه: خسروی حسینی، سید غلامرضا، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۵).

ب: تعریف رفتار: ساده ترین تعریفی که از رفتار می توان ارائه داد این است که گفته شود: رفتار یعنی عملی که از فرد سر می زند یا سخنی که بر زبان می آورد (سیف، علی اکبر، ۱۳۸۴، ص ۴۱)، اما در روانشناسی رفتاری این اصطلاح دقیق تر تعریف می شود: هر فعالیتی که ارگانیسم (جاندار) انجام می دهد و به وسیله ارگانیسمی دیگر یا یک ابزار اندازه گیری قابل مشاهده یا اندازه گیری است، بنابراین طبق این تعریف، رفتار هم شامل حرکات بیرونی می شود (مانند: حرکات سر و دست) هم شامل حرکات درونی (مانند: ضربان قلب) و هم شامل فعالیت غددی (مانند: ترشح بزاق دهان) (همان).

در کتاب «درآمدی بر روش‌های تبلیغی ائمه» ذیل تعریف الگوی رفتاری اینگونه آمده است: رفتار شخصی ائمه (علیهم السلام) در امور، فارغ از دیگران به بررسی گذاشته می‌شود. الگوی رفتاری به رفتار ائمه که دارای مخاطب بوده است و برای آموزش و تبلیغ در عمل، انجام می‌شده است، می‌توان گفت (دیان، شمس الله، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵).

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

بنابراین مراد از الگوهای رفتاری، رفتارهای خاص فرد الگو برای مخاطبینش می‌باشد، که این رفتارها حاوی پیام و هدفی است که به مخاطب منتقل می‌شود و در واقع فرد، از الگوی خویش الگو می‌پذیرد.

کیفیت رفتار اجتماعی

حفظ ارزش‌ها و باورهای یک مرام حق، ایجاب می‌کند که پیروان آن مرام در پایبندی آن بر محورهای حق خویش استوار باشند و برای حراست از باورهای حق هیچ گونه سهل انگاری روا ندارند. در عین حال برای حفظ ارزش‌ها باید گزینه‌ای را برگزید که پسندیده و معقول باشد. رفتار معقولی که در عین حال از ارزش‌ها حراست نماید، از بهانه دادن به طرف مقابل پرهیز نماید، رفتاری که ارزش‌های دیگر انسانی را زیر پا نهد و باعث تحریک و بروز فتنه‌ها نگردد. به همین سبب در رفتارهای اجتماعی به ویژه در برخورد با دگر اندیشان برون دینی و نیز درون دینی باید رفتار با متانت، ادب، رعایت حقوق متقابل و خرد پسند همراه باشد (احمدی، حبیب الله، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰).

بنابراین طبق آموزه‌های دینی، ما باید در رفتارهای اجتماعی با مردم، معقولانه و محترمانه برخورد کنیم. پیشوای ششم شیعیان در این رابطه می‌فرماید: خویشان را برای خوش رفتاری آماده ساز، اخلاق خویش را نیکو کن و زبان خویش را حفظ کن (حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۰۲)، و نیز می‌فرماید: مسلمانان باید تلاش کنند با یکدیگر مراوده و همیاری داشته باشند (همان، ص ۵۵۲). تحت هیچ شرایطی نباید به خود اجازه دهیم که دیگران را تحقیر نموده و یا به آنها توهین نمائیم حتی اگر هم دین و مسلک ما نباشند، سخن امام ششم (علیه السلام) در این زمینه راهگشاست، آن جا که می‌فرماید: با دیگران رفتاری پسندیده داشته باشید، از تحریک آنان که باورهای شما را نمی‌پسندند بپرهیزید، آنان را علیه خود و ما نشورانید (مفید، محمد بن محمد، ترجمه: استاد ولی، حسین، ۱۳۶۴، ص ۲۸).

"استاد حبیب الله احمدی" می‌گوید: این رهنمود امام صادق (علیه السلام) چند پیام فراگیر دارد، نخست این که پیرو امام صادق (علیه السلام) با تمام انسان‌ها از هر ملیت و مذهب باید خوش رفتار و با روی گشاده

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

برخورد نماید. پیرو امام نباید در معاشرت با دیگران موجب رنجش آنان شود و به احساسات دیگران آسیب رساند. همچنین این پیام را دارد در درون جامعه‌ی اسلامی باید به گونه‌ای رفتار کنند که در عین حالی که از موضع حق خویش حمایت می‌نمایند، از تحریک و توهین به دیگران پرهیز کنند، از برقراری مراسم و اجرای برنامه‌هایی که بهانه به دست دیگران می‌دهد پرهیز کنند. پیرو امام صادق (علیه السلام) نباید راضی شود که به نام پیروان حضرت، رفتاری که موجب بهانه جویی و تحریک و یا بدگویی آنان به امام صادق (علیه السلام) و پیروانش شود، انجام دهد. این گونه رفتارها نه تنها موجب رضایت و خوشنودی اهل بیت (علیه السلام) نیست، بلکه بر خلاف موضع امام صادق (علیه السلام) می‌باشد. دفاع از باورهای تشیع و دفاع از مظلومیت‌های عترت، لزوماً بدین معنا نیست که کسی با توهین و رفتاری ناهنجار موجب تحریک و بهانه جویی دیگران شود. بلکه در برخورد با دیگران و نیز دفاع از حقایق و معارف حق و طرح مظلومیت‌ها باید با منطق و تدبیر پیش رفت چرا که برد منطق همواره با سرعت خواهد بود تا رفتارهای غیر معقول و اختلاف انگیز (امام صادق (علیه السلام) الگوی زندگی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲).

ارکان و ویژگی‌های بنیادی جامعه

۱. اسلام و جامعه:

در سیره‌ی پیشوایان، پرداختن به احکام فردی نباید موجب فرو گذاشتن احکام اجتماعی شود و حتی در وسط همان نماز در پیشگاه خداوند، نباید جانب مردم فرو گذاشته شود. پیشوایان معصوم (علیه السلام) ضمن عمل به احکام فردی اسلام، عمل به احکام اجتماعی آن را هم مدّ نظر داشتند و بدان سخت عمل می‌کردند. آنان در عین حال که به ارتباط با خدا اهمیت می‌دادند، ارتباط با خلق را نیز مهم می‌شمردند و دمی از حال بندگان خدا غافل نبودند. پس اگر هم احکام فردی اسلام هیچ ارتباطی به اجتماع نداشته باشد (که هرگز چنین نیست)، باز هم نمی‌توان به دستاویز عمل به احکام فردی و عبادی اسلام از عمل به احکام اجتماعی سرتافت و یا در آن کوتاهی کرد (اسفندیاری، محمد، با تلخیص و تغییر عبارات، ۱۳۷۵، ص ۱۵۸).

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

در احادیث و تعالیم معصومین (علیهم السلام) نیز به اجتماعی بودن انسان اشاره شده است، از جمله اینکه امام صادق (علیه السلام) در این رابطه فرمودند: البته مردم برای زندگی شما لازم اند و کسی نیست که تا زنده است از مردم بی نیاز باشد و وجود مردم برای یکدیگر لازم است (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۹۹). از امام باقر (علیه السلام) از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می شود که اسلام بر ده جزء بنا شده است، یکی از این اجزاء "جماعت" شمرده شده و از آن به "الفت" یاد شده است (طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۴، ص ۴۴).

در روایت دیگری بر اصل وابستگی انسان ها به یکدیگر که پایه ی تشکیل جامعه است، تأکید می شود، در این روایت، هنگامی شخصی در حضور امام باقر (علیه السلام) دعا می کند که خداوند او را از همه ی مردم بی نیاز کند، حضرت می فرماید: دعا کن که از مردم بد بی نیاز شوی وگرنه مؤمن از برادر (دینی) خود، بی نیازی نمی جوید (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۷۵، ص ۱۷۲).

چنانچه از احادیث متواتر ظاهر می شود اعتزال از عامه ی خلق در این امت ممدوح نیست. بعضی از اخبار که در باب عزلت وارد شده است، مراد از آنها عزلت از بدان خلق است که معاشرت ایشان موجب هدایت نمی شود و ضرر دینی می رساند؛ وگرنه معاشرت با نیکان و هدایت گمراهان شیوه ی پیغمبران و از افضل عبادات است... کسی که در مقام اصلاح نفس باشد و به خدا توکل کند، به فضل الهی، در ضمن معاشرت خلق نفس او به کمالات بیشتر متصف می شود (همان، ۱۳۴۱، ص ۲۱۱).

۲. ملاک برتری در جامعه: در جوامع مختلف ملاک هایی مانند: نژاد، ثروت، قدرت، خاندان و حتی رنگ پوست، جنسیت و مانند این ها را وسیله ای برای برتری افراد یا گروه های جامعه بر یکدیگر برمیگزینند. حال آنکه دین مقدس اسلام بر هر نوع برتر بینی و ملاک هایی از این قبیل خط بطلان کشیده و یگانه معیار برتری انسان ها را تقوا و ایمان به خدای یکتا اعلام می دارد.

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که: در روز فتح مکه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: ای مردم! حاضران به غایبان خبر

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

دهند؛ همانا خداوند متعال خودبزرگ بینی جاهلی و فخر فروشی به پدران و عشایر جاهلی را از شما دور کرد. ای مردم همانا شما از نسل آدم (علیه السلام) هستید و آدم از گل، همانا بهترین شما نزد خداوند و گرامی ترین شما برای او، باتقواترین و فرمانبردارترین شما از اوست. همانا عربی، پدر و نسل کسی نیست بلکه زبانی است گویا (نوری، میرزا حسین، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۸۹).

البته شایان ذکر است که خطاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به تمام اعصار است، مخاطب این پیام فقط مردم زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی باشد. پس ما به عنوان شیعه موظفیم از هر گونه تبعیضهایی که برای افراد و اقوام مختلف قائل شده ایم، بپرهیزیم و تنها ملاک و معیار را طبق فرموده رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) تقوا بدانیم و بر این اساس به پایه ریزی برنامه ها و دستورالعمل های زندگی مان بپردازیم.

۳. ریشه فتنه ها در جامعه: امام باقر (علیه السلام) می فرماید: همانا مبدأ وقوع فتنه ها هواهای نفسانی است که مورد پیروی واقع می شود و نیز احکامی است مخالف با کتاب خدا که بدعت گذاشته می شود و عده ای بر آن، دور عده ای گرد می آیند. اگر باطل به تنهایی بود، بر افراد صاحب عقل ترسی نبود و اگر حق محض هم بود، اختلافی واقع نمی شد. ولی شاخه ای از باطل و شاخه ای از حق گرفته می شود و با هم مخلوط می شود و یک جا آورده می شوند. در اینجاست که شیطان بر دوستان خود غلبه می کند و کسانی که از قبل، خداوند برای آنها نیکی خواسته است، نجات می یابند (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۴).

در این روایت، امام محمد باقر (علیه السلام) پیروی از هواهای نفسانی را علت ایجاد فتنه در جوامع دانسته که با تأثیر گذاری بر اعتقادات مردم و رفتارهای آنها عواقب شومی در پی دارد. از جمله اینکه افرادی گرد دیگری جمع شده و رفتارهایی شیطان پسند را رقم می زنند، در حقیقت پیروی از خواهش های نفسانی منشأ همه ی گمراهی ها در سطح جامعه می باشد. بنابراین در جوامع اسلامی مسلمانان باید برای به سلامت گذشتن از فضایی که به سبب آمیخته شدن حق و باطل، گمراه کننده شده عوامل به

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

وجود آورنده چنین فضایی را شناسایی نموده تا بتوانند خود را از معرکه نجات دهند. همچنین برای رهایی از فتنه، نیازمند شناخت صحیح حق از باطل هستیم، باید با دید و درکی عمیق این توانایی شناخت را در خود تقویت کنیم که در دام فتنه‌ها دچار نشویم. در واقع ما محتاج بصیرت هستیم، بصیرت دینی، بصیرتی که به پشتوانه‌ی تقوا چراغ راه ما در مسیر مبارزه با فتنه‌ها می باشد.

۴. عدالت اجتماعی: جامعه را چیزی جز عدالت نمی‌تواند اصلاح کند و اصلاح اجتماعی بدون بر پا داشتن عدالت اجتماعی و اقتصادی پدید نخواهد گشت و تقوی و فضیلت بدون عملی کردن اصل قسط در میان مردم تحقق نخواهد یافت. مذهب اهل بیت (علیه السلام) همواره بر عدل و اجرای آن و احقاق حقوق طبقات محروم متکی بوده است و در راه همین اصل والا به بزرگترین انقلاب‌ها دست یازیدند و ارجمندترین قربانی‌ها را تقدیم تاریخ کردند. بنابراین بر هر مسلمان واجب است که به پشتیبان متعهد و صالح اقتدا کند و به دفاع از محرومان و مظلومان اقتصادی (که حقوقشان به وسیله‌ی دیگران غصب شده است) برخیزد و در برابر شیاطین بایستد و ستمگری ستمگران و ستم‌کشی ستم‌کشان را برنتابد (حکیمی، محمد رضا، ترجمه: آرام، احمد، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۷-۲۸).

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: اولیای امور خود را از راه اجرای امر به معروف و اقامه‌ی عدل و احسان بشناسید (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۵).

آری، وعظ و خطابه با عدم اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی هیچ اثر و فایده‌ای ندارد و اجتماع را چیزی جز عدل اصلاح نمی‌کند. پس باید سیره‌ی پیشوایان برای مسلمانان و حکومت‌ها و علمای مسلمان اسوه‌ای حسنه (الگوی شایسته) و وسیله‌ی بیداری بزرگ باشد. اسلام به هیچ روی به فقر و پریشانی و تهیدستی خوش آمد نمی‌گوید، بنابراین بر برنامه‌ریزان اسلامی که مدعی اسلامی بودن و عمل کردن به احکام آنند و بر کسانی که حاملان پرچم فقا‌هت اسلامی به شمار می‌روند، واجب است که به طاغوت‌های اقتصادی تکیه نکنند بلکه از طریق برنامه‌های شایسته‌ی اقتصادی که ریشه‌های فقر را قطع می‌کند به محرومان و تیره روزان نزدیک شوند و از

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

ایشان حمایت کنند تا دین خدا بتواند در اجتماع تجسم و تحقق پیدا کند و احکام حنیف روشن آن به معرض اجرا درآید (حکیمی، محمد رضا، ترجمه: آرام، احمد، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۰۶-۳۰۵).

بنابراین بر همگان خصوصاً مسئولان و مبلغان واجب است که در راستای تحقق عدالت اجتماعی به پیروی از امامان معصوم (علیه السلام) به پاخواسته و دست به اقدامات اساسی بزنند همان طور که امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: اگر در میان مردمان به عدالت رفتار شود همه بی‌نیاز می‌گردند (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۵۶۳).

حضرت همچنین می‌فرماید: در ولایت والی عادل و فرمانداران او هر عدل و هر حق زنده می‌شود، و هر ستم، جور و فساد می‌میرد. به همین جهت هر کس که در تقویت استیلای حاکم عادل بکوشد و به او مدد رساند با کوشش به فرمانبرداری از خدا و مدد رساندن به دین خدا پرداخته است (حرانی، ابن شعبه، ترجمه: جنتی، احمد، ۱۳۸۷، ص ۲۴۴).

۵. حضور زن در جامعه: یکی از موضوعات اجتماعی معارف اسلامی در عصر ما، حضور زن در جامعه و مسئله‌ی روابط زن و مرد در جامعه است. البته این حضور مربوط به عصر کنونی نمی‌باشد، بلکه همزمان با ظهور اسلام و هویت بخشیدن به زن، این حضور به طور محسوس مشاهده می‌شود. بر طبق روایات معتبری زن در دفاع عملی از اسلام حضور فعال داشته و با شرکت در جنگ‌ها از جنبه‌های مختلف به مبارزان و رزمندگان اسلام خدمات ارائه می‌داده‌اند. همچنان که از امام باقر (علیه السلام) یا امام صادق (علیه السلام) روایت شده که: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) زنان را با خود به نبرد برده و زنان به مداوای مجروحین پرداخته و از غنایم چیزی به آنها نمی‌داد (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۸۶).

هر چند زنان به جهت جنبه عاطفی و جسمی خود، به مانند مردان تاب تحمل وظایف سنگین را ندارند ولی این مانع از حضورشان در اجتماع نمی‌شود. چنان که در عرصه‌ی واقعیت زنان بسیاری را می‌بینیم که بیش از مردانی که توانمندی‌های خویش را فراموش کرده‌اند، از اراده و تدبیر افزونتری برخوردار هستند. بنابراین اسلام حضور اجتماعی زن را جایز

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

دانسته بلکه بر این امر تأکید می‌ورزد، البته این حضور و تأکید بر آن را بدون قید و شرط رها نمی‌کند بلکه شروطی برای آن قائل است، که در اینجا به برخی از این شروط از دیدگاه معصومین (علیهم السلام) می‌پردازیم:

الف- عفت در نگاه: در تعالیم اسلامی مفهوم عفت عبارت است از: کنترل شهوت و جلوگیری از آن در خارج شدن از حد اعتدال. در کتب لغت آمده است: این واژه از ریشه‌ی "عف" گرفته شده است و به معنای خودداری از آنچه حلال نیست و خودداری از سخن یا عمل ناپسند می‌باشد (ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۲۱۰).

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: نگاه بعد از نگاه، شهوت را در دل می‌رویاند و برای نظر باز، همان فتنه انگیزتن بس است (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۳۹). البته کنترل نگاه و عفت در آن، فقط منحصر به خانم‌ها نمی‌باشد، بلکه این شرط عمومی است و با رعایت آن جلوی بسیاری از فتنه‌ها گرفته می‌شود.

ب- پرهیز از استعمال بوی خوش: استفاده از عطر و بوی خوش به وسیله‌ی زنان از مهم‌ترین مسائلی است که خود به خود، باعث برانگیخته شدن شهوت در مردان می‌شود، به همین دلیل زنان نباید در مجامع عمومی از بوی خوش استفاده نمایند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هرگاه زنی برای غیر شوهرش خود را معطر نماید، سپس از خانه‌اش خارج شود تا زمانی که به منزلش برمی‌گردد لعنت می‌شود (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷).

روایاتی از این قبیل بسیار است، که با توجه به آنها شایسته است زنان مسلمان جهت حضور در اجتماع از عطر و بوی خوش استفاده نکنند تا هم خود و هم مردان بیگانه بتوانند آرامش درونی خود را حفظ کنند و هیچ یک به گناه آلوده نشوند.

ج- عدم اختلاط زن و مرد: در برخی روایات برای جلوگیری از عادی شدن روابط و به وجود آمدن زمینه‌های اختلاط و فساد، بر جدائی مکان زن و مرد تأکید شده است. در این زمینه از پیشوای ششم روایت شده است که:

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از داخل شدن مردان بر جمع زنان بدون اجازهی آنها نهی فرمود (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۵۲۸). از این روایت دو نکته قابل برداشت است: یکی اینکه محل فعالیت زن و مرد باید جدای از هم باشد و دیگر اینکه مردان به هنگام ورود به محیطی که زن هست، باید اجازه بگیرند.

البته تذکر این نکته لازم است که این شروط، تمامی شروط ورود زنان در اجتماع نیست، بلکه دستورالعملها و شروط دیگری هم در آیات و روایات وجود دارد که ما فقط به برخی از آنها اشاره کردیم.

۶. تأمین نیازمندان: خداوند متعال نعمت مال و ثروت را به انسان ارزانی داشته تا از دنیا بهره‌مند گردد و از سویی وسیله‌ی امتحان او نیز می‌باشد. در واقع مال دنیا از مصادیق آزمون‌های الهی است و به تعبیر قرآن فتنه است. حال باید دید که آیا ما به این مال و ثروت دلبسته شده‌ایم یا اینکه علاوه بر رفع نیازهای خود جهت انجام مسئولیت‌های الهی نیز از آن هزینه می‌کنیم.

در زندگی معصومین دیده می‌شود که از امکانات دنیایی برخوردار بوده‌اند ولی هرگز بدان دلبسته نبوده بلکه از مال دنیا به بهترین شیوه جهت آبادگری آخرت خویش بهره می‌برده‌اند. پیشوای پنجم ما، امام محمد باقر (علیه السلام) در بخشش و انفاق بین عامه و خاصه شهرت داشت، کرم و سخاوت وی همه جا را فرا گرفته بود (مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۶)، در یک روز هشت هزار دینار بین مستمندان توزیع نمود (الحسینی، محمد بن امیر، ۱۴۱۶، ص ۵۸۹). اموال خویش را به سه قسم تقسیم نمود، یک سوم آن برای هزینه‌های منزل، یک سوم دیگر برای همسایگان و یک سوم باقی مانده را به مستمندان اختصاص می‌داد (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۹۹). در یک روز یازده برده آزاد می‌ساخت (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۴۶، ص ۳۰۲) و در هنگام رحلت وصیت نمود بیست برده از شمت برده حضرت آزاد باشند (الحسینی، محمد بن امیر، ۱۴۱۶، ص ۵۸۹).

حیان بن علی (در برخی نقلها اسود بن کثیر) می‌گوید: من تنگ دست شدم، هیچ کس از برادران دینی مرا یاری نکرد، به امام باقر (علیه السلام)

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

شکوه نمودم، حضرت فرمود: آن که در هنگام گشاده دستی همراه و در هنگام تهی دستی تو را رها کند برادر نیست. آن گاه هفتصد درهم به من عطا نمود و فرمود: اگر باز نیازمند شدی مراجعه کن (مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۶). حضرت در هنگام تأمین نیازمند، طرف را به زیباترین لقب مانند: بنده خدا، خدا برکت به تو عطا کند، برخورد می-کرد. نیازمندان را مسکین و فقیر لقب نمی‌داد و می‌فرمود: به زیباترین لقب به آنان خطاب کنید (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۴۶، ص ۲۹۱).

پیشوایان ما این‌گونه با رفتار و گفتار خود شیوهی بهره‌گیری صحیح از اموال و نعمت‌های دنیوی را به ما آموزش داده‌اند، شیوه‌ای که منجر به یاری رساندن به دیگران و تأمین نیازمندان می‌گردد که اگر از این شیوه تبعیت کنیم نه تنها دل بسته و وابسته‌ی به مال دنیا نمی‌شویم بلکه بستر عبادت خدا را فراهم ساخته‌ایم که این امر اثرات مثبتی در خودسازی انسان نیز دارد.

۷. کار و تلاش: افراد سطحی نگر تصور می‌کنند که شرط تقوا این است که انسان پیوسته به نماز و روزه و عبادت و ذکر خدا بپردازد و اینکه روزی‌اش از هر کجا که باشد می‌رسد، یعنی تلاش برای تأمین معاش را مخالف زهد و توکل می‌پندارند، ولی برنامه‌ی زندگی معصومین (علیهم السلام) گواه حقیقتی غیر از این می‌باشد. آنان هم اسوه‌ی تقوا و بندگی خدا بوده‌اند و هم اینکه برای تأمین معاش خویش، به کار و تلاش می‌پرداخته‌اند.

محمد بن منکدر (از زهاد عصر امام باقر (علیه السلام)) نقل می‌کند: در یکی از روزهای گرم تابستان از مدینه خارج شدم. در هوای گرم محمد بن علی (علیه السلام) را دیدم که مشغول کار و رسیدگی به امور زندگی است، ابن منکدر به قصد موعظه‌ی امام به وی می‌گوید: چرا بزرگی همچون شما در چنین شرایطی به فکر دنیا و طلب مال باشد، براستی اگر مرگ در چنین حالتی به سراغ شما بیاید چه خواهید کرد؟ امام (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند، اگر در چنین حالتی مرگ به سراغم آید به حق در حال اطاعت از خداوند به سراغم آمده است. این تلاش من خود اطاعت از خداست، زیرا با همین کارهاست که خود را از تو و دیگر مردم بی‌نیاز

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

می‌سازم، من زمانی از خدا بی‌مناک هستم که هنگام معصیت و نافرمانی خدا مرگم فرا رسد (همان، ص ۲۷۸).

امام صادق (علیه السلام) نیز در مزرعه‌ی خود، بیلی به دست می‌گرفت و در زیر تابش آفتاب به زراعت می‌پرداخت و می‌فرمود: دوست دارم که مرد در طلب روزی خود، تحمل رنج و مشقت کند (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۷۶). سر بار دیگران بودن در دین اسلام امری مذموم و ناپسند است و امامان معصوم (علیهم السلام) پیروان خود را از این کار برحذر داشته و بدانها سفارش نموده که خود در طلب روزی‌شان تلاش نکنند. همانگونه که امام صادق (علیه السلام) در پاسخ فردی که پرسید چرا با آن مقام و منزلت که داری در زیر این آفتاب سوزان خود را به زحمت انداخته‌ای، فرمود: در طلب روزی بیرون آمده‌ام تا به دیگران نیازمند نشوم (همان، ص ۷۴).

بنابراین صادقین (علیهم السلام) همچون سایر معصومین (علیهم السلام) هرگز دین را از دنیا جدا نمی‌دانند، بلکه تلاش و کوشش در راه کسب روزی و تأمین معاش، تحصیل بی‌نیازی و انفاق به خویشان و درماندگان را عبادت می‌پندارند، تنبلی و سستی را به شدت نکوهش کرده و عبادت کسی را که سر بار دیگران باشد مقبول نمی‌دانند و بنا بر فرموده‌ی امام صادق (علیه السلام) کسی که به امور دنیای خویش کاهلی ورزد، به کار آخرت بیشتر سستی خواهد کرد (همان، ج ۵، ص ۸۵). حضرت کسب و کار را جزء افتخارات فرد می‌دانند و خطاب به "معلی بن خنیس" که دیر هنگام به بازار کارش رفته بود، فرمود: صبح هنگام به محل افتخار خود حاضر شوید (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳). دو نکته از این حدیث قابل استنباط است: یکی همانطور که اشاره شد افتخار بودن کار و دیگر اینکه صبح و اول وقت باید به کسب و کار پرداخت. حضرت همچنین رها کردن کسب و کار را موجب خمودی اندیشه و سقوط انسان می‌داند (همان، ص ۵).

کار و تلاش سیره و روش همه‌ی معصومین (علیهم السلام) می‌باشد. پیشوایانی که برای پیروان خویش الگوی زندگی هستند بدانها آموخته‌اند که برای کسب روزی حلال باید تلاش و سازندگی داشته باشند، سرافرازی و

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

افتخار آفرینی فردی و اجتماعی جامعه‌ی دینی در گرو کوشش مستمر وی در تمامی عرصه‌های زندگی می‌باشد، ملت پر کار و پر تلاش سرافراز و پیروزمند خواهد بود.

اوصاف و هنجارهای مطلوب جامعه‌ی اسلامی

آنچه که مسلم است این است که جامعه‌ی اسلامی و شیعی به سبب دین و مسلکی که پذیرفته‌اند متمایز از دیگر جوامع است، جامعه‌ی شیعی جامعه‌ای مطلوب به لحاظ اعتقادی و ایمانی است، برای چنین جامعه‌ای که افراد آن از لحاظ اعتقادی کامل هستند و محور ولایت ائمه (علیهم السلام) را پذیرفته‌اند، هنجارها و اوصافی مطلوب در غالب آیات و روایات وجود دارد که ما در اینجا به بررسی برخی از آنها که برگرفته از روایات صادقین (علیهم السلام) می‌باشد، می‌پردازیم.

۱. **اهتمام به امور مسلمین:** در رفتارها و روابط اجتماعی که تشکیل دهنده‌ی بخش عظیمی از زندگی انسان‌هاست، داشتن حس همیاری و روحیه‌ی نیکی به برادران دینی نشان دهنده‌ی پویایی و سلامت جامعه است، در راستای اهتمام به این امر در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) سفارشات فراوانی به چشم می‌خورد تا جایی که نشان مسلمان بودن است، از امام صادق (علیه السلام) روایت شده: هر کس به امور مسلمین اهتمام نوزد، مسلمان نیست (کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه: مصطفوی، سید جواد، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۹). حضرت همچنین می‌فرماید: مسلمین موظفند در راه پیوستگی و کمک نسبت به نیازمندان کوشا و جدی باشند، از عواطف اخلاقی و کمک‌های مالی مضایقه نکنند، و نیز لازم است جهات عاطفی و اخلاقی را درباره‌ی تمام طبقات مردم مراعات نمایند (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۷۵).

بی تفاوت نبودن نسبت به دیگران در دین مبین اسلام تا آنجا اهمیت دارد که بی توجهی به آن شکارگاه شیطان است. طبق فرموده امام جعفر صادق (علیه السلام) ایجاد مانع در نیکی به برادران از ابزارهای شکار شیطان است (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۷۸، ص ۲۷۹). جامعه‌ای که به درد، رنج و گرفتاری‌های هموعان خود بی‌توجه بوده و نسبت به حقوق نیازمندان سستی بورزند، زمینه عذاب سخت خداوند را فراهم آورده است.

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: خداوند امتی را عذاب نخواهد کرد، مگر در وقتی که نسبت به حقوق برادران نیازمند خود سستی نماید (همان).

۲. حفظ آبرو و شخصیت افراد در جامعه: هر فردی به نوبه‌ی خود دارای اسراری است که برخی از آن بی‌خبرند و مایل نیستند که دیگران از آنها اطلاع یابند، در جامعه‌ی اسلامی، افراد را از فاش کردن اسرار و ریختن آبروی یکدیگر برحذر داشته‌اند و عقوبت سختی برای آن بیان شده است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هر کس درباره‌ی مؤمن آنچه را دیدگانش دیده و گوش‌هایش شنیده، بگوید، از کسانی است که خداوند عزّ وجلّ درباره‌شان فرموده است: کسانی که دوست دارند زشتی در میان مؤمنان آشکار شود، عذابی دردناک است (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۵۷). حفظ حرمت مؤمنان اهمیت بسیار والایی دارد به اندازه‌ای که پیشوای ششم شیعیان می‌فرماید: احترام مؤمن از احترام کعبه بالاتر است (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۶۸، ص ۱۶).

تحقیر مؤمنان منجر به خروج از ولایت الهی و ورود به ولایت شیطان می‌باشد، جالب اینجاست که شیطان هم فرد تحقیر کننده را نمی‌پذیرد. معصوم هشتم (علیه السلام) می‌فرماید: هر کس به زیان مؤمنی سخن بگوید و از آن رسوایی او و از بین بردن مروت و جوانمردی‌اش را بخواهد تا از چشم مردمان بیفتد، خداوند او را از ولایت خویش به ولایت شیطان می‌اندازد ولی شیطان هم او را نمی‌پذیرد (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۵۸).

۳. بردباری در روابط اجتماعی: رعایت شکیبایی اصلی اساسی است جهت حضور سازنده در عرصه‌ی روابط اجتماعی. متصف بودن به این صفت پسندیده برای هر فردی در هر جایگاهی ستایش شده، اما اهمیت آن زمانی دو چندان می‌شود که فرد، رهبری و مسئولیت گروه یا جمعی را نیز بر عهده داشته باشد، این ویژگی در گفتار و رفتار اهل بیت (علیهم السلام) به وضوح دیده می‌شود که دلیل بر صحت مدعای ماست. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: کسی که بر زحمت، اذیت و آزار مردم صبر نکند به مقام رضای الهی نمی‌رسد، چرا که رضوان الهی آمیخته با سختی و آزار خلق است

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

(الامام الصادق (علیه السلام)، جعفر بن محمد، ترجمه: کاظمی، محسن، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). در رابطه با امام باقر (علیه السلام) آمده است که: روزی فردی مسیحی از روی دشمنی و کینه‌ای که به امام داشت به ایشان ناسزا گفت و با بی‌شرمی حضرت را اینگونه مورد خطاب قرار داد: "تو بقر هستی"، امام بدون اینکه ناراحت شود با بردباری پاسخ فرمود: نه من باقر هستم (ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۲۴).

۴. تغافل و چشم پوشی از خطای دیگران: چشم پوشی از خطای دیگران اگر به جا و به موقع باشد، از صفات پسندیده به شمار می‌آید و با نبود آن، افراد در معاشرت با یکدیگر دچار مشکل می‌شوند. افراد یک جامعه هنگامی سعادت‌مندانه با یکدیگر زندگی می‌کنند که با هوشیاری کامل، امور خود را حل و فصل نموده و هر جا که لازم باشد خود را از بعضی مسائل غافل وانمود کنند که این موجب می‌شود روابط عادی و معمولی باقی بماند و در سایه‌ی همین روابط، زندگی اجتماعی به شیوه‌ی صحیح و مسالمت آمیزی جریان یابد، در غیر این صورت هرج و مرج و بی‌نظمی در جامعه به بار خواهد آمد. امام جعفر صادق (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید: زندگانی و معاشرت با اشخاص، هنگامی به صلاح و شایستگی برگزار خواهد شد که دو سوم پیمانه‌ی آن را زیرکی و یک سومش را نادیده گرفتن پر کرده باشد (حرانی، ابن شعبه، ترجمه: جنتی، احمد، ۱۳۸۷، ص ۳۵۹).

۵. اصلاح ذات البین: یکی از برنامه‌های مهم اسلام، ایجاد تفاهم و زدودن کدورت‌ها در بین مسلمانان است، چرا که زندگی انسان‌ها به دلایل مختلف از قبیل: بالا بودن سطح انتظارات، توقعات بی‌جا از همدیگر، عدم گذشت، یکسان نبودن خلق و خوی مردم و خالی از کینه‌ها و دشمنی‌ها نمی‌باشد. به همین دلیل دین مبین اسلام در تعالیم اخلاقی و اجتماعی به پیروان خود دستور داده است که نسبت به جریان‌ات و اتفاقات جامعه‌ی خویش بی‌تفاوت نبوده، بلکه پیوسته در جهت اصلاح بین مردم و آشتی دادن آنها و از بین بردن اختلافات کوشا باشند.

ایجاد اختلاف و فاصله بین دو مسلمان موجبات خوشحالی شیطان را فراهم نموده و چنان‌که این قهر ادامه یابد موجب خروج هر دوی آنها از اسلام

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

می‌گردد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: پیوسته شیطان خوشحال و شادمان است مادامی که دو مسلمان با هم قهر هستند، ولی همین که با هم آشتی کنند زانوهایش بلرزد و بندهایش از هم جدا شود و فریاد زند: ای وای بر من از آنچه که بر من می‌آید و باعث هلاکت من می‌شود (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۵)، حضرت در جای دیگر می‌فرماید: پدرم فرمود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرمود: هر دو نفر مسلمانی که از هم دیگر قهر کنند و سه روز بر آن حال بمانند و با هم آشتی نکنند هر دو از اسلام بیرون می‌روند، و میان آنها پیوند و دوستی دینی نباشد، پس هر کدام از آن دو به سخن گفتن با برادر (دینی‌اش) پیشی گیرد او در روز قیامت در بهشت رفتن سبقت دارد (همان).

بنابراین از سویی وجود اختلاف و تفرقه بین مردم در اسلام امری مذموم و ناپسند شمرده شده و از سویی دیگر به اصلاح بین آنها و از بین بردن این اختلاف تأکیدات بسیاری شده است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: صدقه‌ای را که خدا دوست دارد، اصلاح میان مردم است زمانی که اختلاف و فساد یابند، و نزدیک ساختن آنها به یکدیگر زمانی که از هم دور شوند (کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه: مصطفوی، ج ۳، ص ۲۹۷). اصلاح بین دو نفر نزد امام ششم (علیه السلام) از صدقه دادن محبوبتر است تا جایی که به مفضل می‌فرماید: هرگاه میان دو نفر از شیعیان ما نزاعی دیدی از مال من فدیة بده (یعنی هر چه ادعا می‌کند از مال من به او بده، تا طرف را رها کند) (همان).

۶. ساده زیستی: یکی از موضوعاتی که در زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی انسان تأثیر بسزایی دارد ساده زیستی و قناعت است که متأسفانه کمتر به آن توجه شده است، در حالی که در دین مبین اسلام و تعالیم وارده از اهل بیت (علیهم السلام) یکی از ارزش‌های متعال به حساب می‌آید. فلسفه‌ی ساده زیستی در اسلام همدردی و شرکت عملی در غم مستمندان است، اگر افراد جامعه به خصوص مدیران و رهبران جامعه، زندگی ساده‌ای را برگزینند هم، درد و رنج محرومان را لمس می‌کنند و هم با آنان همدردی کرده‌اند.

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

شهید مطهری در مورد ساده زیستی رهبران الهی می‌گوید: افرادی را می‌بینید که در دنیا ساده زندگی می‌کنند بدون اینکه لذت‌های خدا را بر خودشان حرام کرده باشند و بدون اینکه از کارهای زندگی دست بکشند. اینها در متن زندگی واقع هستند ولی دلشان می‌خواهد ساده زندگی کنند. چرا؟ می‌گوید: برای اینکه من نمی‌خواهم آزادی‌ام را به چیزی بفروشم، به هر اندازه خودم را به اشیاء مقید کنم اسیر آنها هستم و وقتی اسیر آنها باشم مثل کسی هستم که هزار بند به خود بسته است. چنین آدمی نمی‌تواند راه برود و سبک بال باشد و لهذا زندگی پیامبران عظام و رهبران بزرگ اجتماع، همواره زندگی ساده‌ای بوده، زیرا اگر زندگی پر تجمل می‌داشتند دیگر از رهبری می‌بایست دست می‌کشیدند، زندگی پر تجمل با رهبری که لازمه‌ی آن سبک باری و جنبش زیاد و آزادی و آزادگی است، نمی‌سازد (مطهری، مرتضی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۳).

ساده زیستی اثرات مثبتی بر روح و روان انسان نیز دارد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: شیفتگی در دنیا، مایه‌ی غم و اندوه است و زهد در دنیا، آسایش جسم و جان را در پی دارد (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۷۸، ص ۲۴۰). حضرت با وجود اینکه در عصر رونق اقتصادی اسلام به سر می‌برد پیوسته راه اعتدال و متوسط را در زندگی ترویج می‌نمود و می‌فرمود: هر ساختمانی که در حد متوسط نیست، آن ساختمان بار عذاب بر صاحبش در قیامت است (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۸۷)، در جایی دیگر زهد را اینگونه بیان فرموده: زهدورزی در دنیا به حرام کردن حلال و تباه ساختن مال نیست، بلکه به این است که آنچه در اختیار توست برای تو مطمئن‌تر از آنچه در دست خداست نباشد (متقی، علی بن حسام، مترجم: جباران، محمد رضا، ۱۳۸۱، حدیث: ۶۰۵۹).

آداب اجتماعی و معاشرت

انسان موجودی است اجتماعی که جز با زندگی اجتماعی نمی‌تواند دوران عمر را سپری کند و طبیعی است که در زندگی اجتماعی نسبت به دیگران تکالیف و حقوقی داشته باشد. مجموعه این حقوق و تکالیف آداب

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

معاشرت افراد را با یکدیگر تشکیل می‌دهد. از آنجایی که دین اسلام برای تمامی جنبه‌های زندگی انسان برنامه دارد و یکی از این جنبه‌ها آداب معاشرت است، هدف ذکر دستورالعمل‌هایی از تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) است جهت الگوگیری و رسیدن به جایگاهی که اخلاق و رفتار ما مورد رضایت ایشان قرار بگیرد. بنابراین از آنجایی که ما مسلمان هستیم باید برطبق آئین دین اسلام حرکت کنیم حتی در سخن گفتن، برخورد با دیگران، دید و بازدیدها و سایر امورات زندگی. بنا به فرموده‌ی امام صادق (علیه السلام) ما باید برای خدا و به خاطر خدا با مردم معاشرت کنیم، نه برای سود مادی و دنیوی، یا جاه، مقام و خود نمائی (الامام الصادق (علیه السلام)، جعفر بن محمد، ترجمه: کاظمی، محسن، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲). حضرت در ادامه می‌فرماید: در میزان ارتباط و معاشرت با خلق، آنچنان رفتار نکن که از حدود شریعت و دین خارج شوی و رفتار ناشایست آنها را ناخود آگاه عمل کنی، چرا که در آن حال نه تنها سودی برای تو نداشته بلکه آخرت تو را هم تضییع کرده است (همان).

با توجه به اینکه اسلام در بعد اجتماعی زندگی تأکید زیادی بر رعایت آداب معاشرت اجتماعی دارد و جامعه انسانی را موظف می‌کند که حقوق دیگران را رعایت کنند، به برخی از این آداب می‌پردازیم:

۱. سلام کردن: نخستین گام در برخورد با دیگران سلام کردن است. در میان جوامع مختلف هنگام برخورد افراد با یکدیگر از الفاظ و رفتارهای متفاوتی استفاده می‌شود. در آئین مقدس اسلام ضمن ارزش قائل شدن برای برخورد نیکو داشتن، به تحیت (سلام) در هنگام برخورد با یکدیگر سفارش شده است و همانطور که امام صادق (علیه السلام) فرموده - اند: آنکه آغاز به سلام کند به خدا و رسولش (صلی الله علیه و آله) نزدیکتر است، و کسی که از سلام کردن بخل ورزد، بخیل است (کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه: مصطفوی، سید جواد، بی تا، ج ۴، ص ۴۶۰).

سلام کردن همراه با مصافحه سفارش شده است. امام ششم شیعیان سفارش نموده که هر گاه با هم روبرو شدید با سلام و دست دادن با هم برخورد کنید و آنگاه که از هم جدا می‌شوید با استغفار از هم جدا شوید (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۷۶، ص ۵)، امام باقر (علیه السلام) هم در

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

این رابطه فرموده اند: (آنگاه که) مؤمن، مؤمنی را ملاقات می‌کند و با او دست می‌دهد، خدا آنان را نظاره می‌کند و گناهان مانند ریزش برگ از درختان از روی آنان می‌ریزد (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۶۱).

۲. مهمان نوازی: سیره‌ی اهل بیت (علیهم السلام) در مهمان‌داری تکلیف ما را در این زمینه روشن می‌کند، کافی است با دقت بدان توجه کنیم. وقتی امام باقر (علیه السلام) در خانه‌اش مهمانی داشت، به مهمانان خیلی تعارف می‌کرد، می‌فرمود: از نشانه‌های محبت و علاقه‌ی هر شخص به دیگری آن است که بر سر سفره‌ی او با اشتها و رغبت غذا بخورد (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۴۷، ص ۴۰). امام موقعی که اصحاب و یارانش را میهمان می‌کرد برایشان سفره می‌گشود و بهترین و پاکیزه‌ترین غذاها را برایشان می‌آورد، وقتی به ایشان اعتراض می‌شد که این همه خوردنی بر سر سفره نیاورد و مقتصد باشد، در پاسخ می‌فرمود: ما با تدبیر خداوند زندگی‌مان را سامان می‌دهیم، اگر او در روزی ما گشایش دهد ما نیز برای میهمانان گشایش قائل می‌شویم، ولی اگر درهای روزی برای ما تنگ گردد، ما نیز زندگی‌مان را به همان تناسب تنظیم می‌کنیم (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۴۴).

باقرالعلوم (علیه السلام) با آن جلالت شأن و سن و سالی که داشت نمی‌گذاشت میهمانانش کاری انجام دهند و اگر خدمتکاری در خانه نبود، خود شخصا بلند می‌شد و می‌فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) منع فرموده است که انسان از میهمان خود کار بکشد (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۴۷، ص ۴۱). حضرت از بس علاقمند بود که میهمان نزد ایشان بماند، موقعی که میهمانش بار سفر می‌بست که برود، امام از کمک و یاری در بستن بار و بنه‌ش خودداری می‌کرد، چنانکه درباره‌ی جماعتی از "جهینه" که میهمان ایشان بودند، چنین کرد و حتی به غلامان و خدمتکارانش هم دستور داد که در جمع کردن اثاث آنان کمک نکنند و در پاسخ آنان که گفتند: ای فرزند رسول خدا، میهمان نوازی شایانی کردید و عطیه و هدیه‌ی زیاد دادید، اما چرا به غلامان و خدمتکارانتان فرمودید که در بستن اثاث به ما کمک نکنند؟ فرمود: ما خانواده‌ای هستیم که در رفتن

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

میهمانان از پیش ما، کمک و یاری نمی‌رسانیم (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۵۸).

۳. همسایه داری: از لحاظ روانشناسی اجتماعی، مجاورت و نزدیکی مکانی موجب ارتباط مکرر می‌شود و اگر ارتباط بر مبنای احترام متقابل و رعایت آداب همجواری باشد، باعث جاذبه می‌شود (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۵، ص ۲۳۳). از آثار ادب و عقل انسان، حسن همجواری اوست، حسن همجواری از خلق‌های نیکوئی است که زیبایی آنها مورد تأیید عقل است و دین مبین اسلام علاوه بر اینکه این خصلت شایسته را ستوده، ضمن بیان آثار آن و تشویق بدین امر، بر ارزش اخلاقی آن افزوده است. امام جعفر صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: بر شما باد تقوای الهی، و خوش اخلاقی و حسن همجواری (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۰۱).

حضرت حتی کسانی را که نسبت به این امر کم التفات هستند، نکوهیده و فرموده‌اند: آیا یکی از شما شرم نمی‌کند که همسایه‌ی او حق او را می‌شناسد، ولی او حق همسایه را نمی‌شناسد و رعایت نمی‌کند؟ (همان، ص ۳۹۹)، امام در حدیثی دیگر با لحنی قاطع‌تر می‌فرماید: کسی که با همسایه‌اش حسن همجواری ندارد از ما نیست (همان، ص ۴۰۲).

۴. عیادت بیمار: یکی دیگر از آداب معاشرت اجتماعی، عیادت کردن از بیمار می‌باشد که از نشانه‌های حسن سلوک با مردم است و در دین اسلام در این خصوص توصیه‌های فراوان شده و نیز یکی از حقوقی است که مسلمانان بر یکدیگر دارند و لازم است خود را نسبت به ادای آن موظف بدانند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: مؤمن نسبت به مؤمن هفت حق دارد که باید ادا کند و یکی از آنها دیدار او در حال بیماری است.

عیادت بیمار تا آنجا اهمیت دارد که گفته شده عیادت بیمار، عیادت خداست. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرموده‌اند: موقعی که قیامت به پا گردد، بنده‌ای را خطاب می‌کنند جهت حسابرسی، خداوند به بنده می‌فرماید: چرا هنگامی که من مریض شدم به عیادت نیامدی؟ ... کسی که مؤمن مریضی را به جهت خوشنودی من عیادت نماید، گویا در حقیقت مرا عبادت کرده است (طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰، ص ۳۶۰). در

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

قیامت انسان از اعمال واجب بازخواست می‌شود، وقتی خداوند از عمل مستحبی همچون عیادت بیمار از بنده سؤال می‌کند، اهمیت این امر در اسلام روشن می‌گردد.

بنا به فرموده‌ی امام صادق (علیه السلام) هر کس به عیادت بیمار برود، هفتاد هزار فرشته او را مشایعت می‌کنند و برایش آمرزش می‌طلبند، تا آنگاه که به منزل خود برگردد (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۲۰). همچنین فرموده‌اند که هنگام عیادت بیمار میوه، عطر و امثال اینها را با خود ببرید و به او هدیه بدهید، چون که بیمار از اینکه کسی چیزی برایش ببرد احساس خوشنودی می‌کند (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۴۳).

۵. تشییع جنازه: تشییع جنازه یکی از آداب اجتماعی است که در دستورات اسلامی به آن اهمیت داده شده است و از حقوق مؤمنین نسبت به یکدیگر شمرده شده است. جهت ترغیب مؤمنان به انجام این امر در روایات ما فضائلی ذکر شده همچنین به برخی آداب و شرایط آن نیز اشاره شده است. البته فقط در کلام اهل بیت (علیهم السلام) منحصر نشده بلکه در سیره‌ی عملی آنها نیز به چشم می‌خورد. در بیان اهمیت شرکت در تشییع جنازه مؤمنین همین بس که امام باقر (علیه السلام) با اینکه راه رفتن برایش مشکل بود، در این مراسم شرکت کرد و با اینکه ولی جنازه از او خواست که برگردد قبول نکرد و تا آخر مراسم حضور داشت (مجلسی، محمد باقر، ۱۳۵۸، ج ۸۱، ص ۲۶۱)، حضرت همچنین فرمودند: خداوند به حضرت موسی فرمود: هرگاه کسی جنازه‌ای را تشییع نماید، فرشتگانی را برای او مأمور می‌کنم که وقتی که از قبر خود برانگیخته می‌شود با بیرق‌هایی تا صف محشر او را مشایعت نمایند (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۸۲۲).

امام جعفر صادق (علیه السلام) مردی را که مصیبت فرزند دیده بود، این-گونه تسلیت داد: خداوند برای فرزندان از تو نیکوتر است و ثواب خداوند برای تو از فرزندان بهتر است. امام (علیه السلام) پس از آنکه شنید آن مرد زیاد بی تابی می‌کند، دوباره به دیدنش رفت و فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت، آیا به او تأسی نمی‌کنی؟

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

فرزندت سه چیز را پیش روی دارد که انشاءالله هیچ یک را از دست نمی دهد: شهادت به یگانگی خدا، رحمت الهی و شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (همان، ج ۲، ص ۸۷۴). هرگاه خود ایشان از شرکت در مراسم عزا معذور بود، کسی را به عنوان نماینده نزد صاحب عزا میفرستاد تا به او تسلیت بگوید، چنان که یونس بن یعقوب می گوید: امام صادق (علیه السلام) به من امر فرمود تا نزد مفضل بروم و به او تسلیت گویم و فرمود: به او بگو که ما نیز به مصیبت فرزندان اسماعیل دچار شدیم و صبر کردیم، تو نیز مانند ما صبر پیشه کن (همان، ص ۹۰۴).

آسیب شناسی روابط اجتماعی

عدم آشنایی با آسیبهای اجتماعی، موجب افت ارزشهای اخلاقی و توفیق دشمنان فرهنگی می باشد. اگر مسلمانان با این آسیبها آشنا گردند و از عواقب بد آن در میان افراد جامعه اطلاع یابند، از آنها فاصله خواهند گرفت و دامن خویش را به چنین آسیبهای اجتماعی آلوده نخواهند کرد. امام صادق (علیه السلام) مواردی از آسیبهای اجتماعی را این گونه بیان فرموده است: به برادر ایمانی خود ستم ننماید، او را فریب ندهد، به او خیانت نکند، او را کوچک نشمارد، او را دروغگو خواند، به او اف نگوید و اگر به او اف بگوید (غرر کند) ولایت بین آن دو قطع می شود و اگر به برادر ایمانی اش بگوید تو دشمن من هستی، یکی از آن دو کافر (باطنی) می شود و اگر برادرش را متهم نماید، ایمان در قلب او ذوب می شود مانند: ذوب شدن نمک در آب (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۰۸). از این سخن حضرت می توان چند مورد از آسیبهای اجتماعی را استنباط کرد، از قبیل: ستم کردن، فریبکاری، خیانت، تحقیر و خوارکردن دیگران، اف گفتن، دشمنی، کینه توزی و اظهار عداوت با برادران دینی، تهمت زدن، داد و فریاد و پرخاشگری، طمع کاری و حرص به دنیا. امام باقر (علیه السلام) نیز سوء رفتارهای اجتماعی را اینگونه بیان می فرماید: از مردم دورانات، پنج چیز را غنیمت شمار: اگر حاضر باشی تو را نشناسند، اگر غایب باشی سراغ تو را نگیرند، اگر شاهد باشی با تو مشورت نکنند (نظر تو را نخواهند)،

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

اگر سخنی بگویی گفته‌ات را نپذیرند، اگر زنی را خواستگاری کنی به تو ندهند (حرانی، ابن شعبه، ترجمه: جنتی، احمد، ۱۳۸۷، ص ۲۹۱).

نتیجه

بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد، در پایان به این نتیجه می‌رسیم که انسان به گونه‌ای آفریده شده که گویا الگو پذیری در سرشت وی نهادینه شده است. الگو نمونه‌ای از فکر و عمل است که جهت دستیابی به کمال، از سوی دیگران پیروی می‌شود. منظور از الگوی رفتاری، رفتار شخصی فرد در امور، فارغ از دیگران می‌باشد و الگوی رفتاری ائمه (علیهم السلام) به آن قسم از رفتار ایشان گفته می‌شود که دارای مخاطب بوده و برای آموزش و تبلیغ در عمل انجام می‌شده است. تأثیر الگو و نقش پذیری انسان یک امری طبیعی است که از غریزه‌ی تقلید سرچشمه می‌گیرد و اسلام نیز با تأکید بر حفظ حریت آدمی و رعایت آزادی‌های شایسته‌ی بشر و با توجه به روحیه‌ی تأثیر پذیری انسان، اصل پیروی جاهل از عالم و الگو پذیری از نمونه‌های راستین را مورد تأکید قرار داده است. بنابراین هر کس که از کمالات بیشتری برخوردار باشد، شایستگی بیشتری برای الگو شدن دارد و از آنجا که هیچ موجودی به اندازه‌ی ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) برخوردار از کمال نیست، از این رو آنان شایسته‌ترین و برترین الگوها هستند.

با توجه به این که انسان موجودی اجتماعی است و نیازهای مادی و معنوی او را به زندگی اجتماعی سوق داده است، لذا برای برطرف کردن این نیازها و نیز بهره‌مند شدن از خدمات مادی و معنوی دیگران به برقراری ارتباط اجتماعی نیازمند بوده و اگر بخواهد این ارتباط دوام داشته باشد باید ضوابط و قوانینی را برای حفظ روابط اجتماعی ترسیم

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی International Congress on Culture and Religious Thought

کند. دین اسلام به عنوان کاملترین دین به بعد اجتماعی زندگی انسان نیز همچون دیگر ابعاد توجه داشته و این امر را عهده دار شده است. از لابه‌لای سخنان و سیره‌ی اهل بیت (علیهم السلام) به اصولی برمی‌خوریم که نحوه‌ی اجتماعی زیستن را به پیروان خویش نشان داده‌اند. صادقین (علیهم السلام) با اشاره به آسیب‌های اجتماعی، ملاک‌های برتری جامعه‌ی اسلامی را بیان نموده، همچنین نحوه‌ی آداب معاشرت و حقوق اجتماعی شیعیان را برای آنان شرح داده‌اند. بنابراین شیعیان با بهره‌گیری از آموزه‌ها و تعالیم اجتماعی امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) و با توجه به اهمیت اجتماع در اسلام باید با الگو گرفتن از این بزرگواران بتوانند جامعه‌ای نمونه و شیعی بسازند

معرفی و شناساندن اهل بیت (علیهم السلام) به شیعیان، موجب هدایت ذهن‌ها به ایشان گشته و این که در زندگی خویش به سیره‌ی این بزرگواران تأسی جسته و از الگوهای منحرف و باطل رویگردان شوند و ایشان را به عنوان الگو پذیرفته و در نتیجه با به کار بستن تعالیم دین اسلام به جایگاه شیعه واقعی دست یابند. إن شاء الله.

منابع و مأخذ

۱. ابن آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹) **مناقب**، قم، انتشارات علامه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵)، **لسان العرب**، قم، ادب الحوزه
۳. احمدی، حبیب الله، (۱۳۸۵)، امام باقر الگوی زندگی، قم، فاطیما.
۴. _____، امام صادق الگوی زندگی، قم، فاطیما.
۵. اسفندیاری، محمد، (۱۳۷۵)، **بعد اجتماعی اسلام**، قم، نشر خرم.
۶. اصفهانی، راغب، (۱۳۷۵)، **المفردات فی غریب القرآن**، ترجمه: خسروی حسینی، سید غلامرضا، تهران، انتشارات مرتضوی.
۷. جمعی از مؤلفان، (۱۳۸۵)، **روانشناسی اجتماعی**، تهران، چاپ زیتون.
۸. الحاج الحسینی، ابوجعفر، (۱۴۱۶)، **شرح شافیه ابی فراس فی مناقب آل الرسول و مثالب بنی العباس**، تهران، وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی.
۹. حرانی، ابن شعبه، (۱۳۸۷)، **تحف العقول**، ترجمه: جنتی، احمد، تهران، نشر بین الملل.

کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought

۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم، آل البيت.
۱۱. حکیمی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، **الحیاه**، ترجمه: آرام، احمد، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۲)، **لغت نامه**، تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. دیان، شمس الدین، (۱۳۸۶)، **درآمدی بر روش‌های تبلیغی ائمه**، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. سیف، علی اکبر، (۱۳۸۴)، **تغییر رفتار و رفتار درمانی**، تهران، نشر دوران.
۱۵. الصادق، جعفر بن محمد (ع)، (۱۳۸۹)، **مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه**، ترجمه: کاظمی، محسن، قم، نشر میم.
۱۶. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، **من لا یحضره الفقیه**، قم، انتشارات اسلامی.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۰)، **مکارم الاخلاق**، چاپ چهارم، قم، شریف رضی.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۴)، **امالی**، نجف، مطبعه النعمان.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، **الکافی**، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. _____، **اصول کافی**، ترجمه: مصطفوی، سید جواد، تهران، کتابفروشی اسلامیّه، بی تا.
۲۱. متقی، علی بن حسام، (۱۳۸۱)، **کنز العمال**، ترجمه: جباران، محمد رضا، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۵۸)، **بحار الانوار**، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۴)، **حق و باطل**، قم، انتشارات صدرا.
۲۴. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، **ارشاد**، قم، مؤسسه آل البيت.
۲۵. _____، (۱۳۶۴)، **امالی**، ترجمه: استاد ولی، حسین، مشهد، آستان قدس.
۲۶. مهدی زاده، حسین، (۱۳۸۹)، **آموزه‌ای اسلامی در باب تقلید از الگوها**، مجله معرفت، شماره ۶۷.
۲۷. نوری، میرزا حسین، (۱۳۸۲)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، تهران، کتابفروشی اسلامیّه.



کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی
International Congress on Culture and Religious Thought